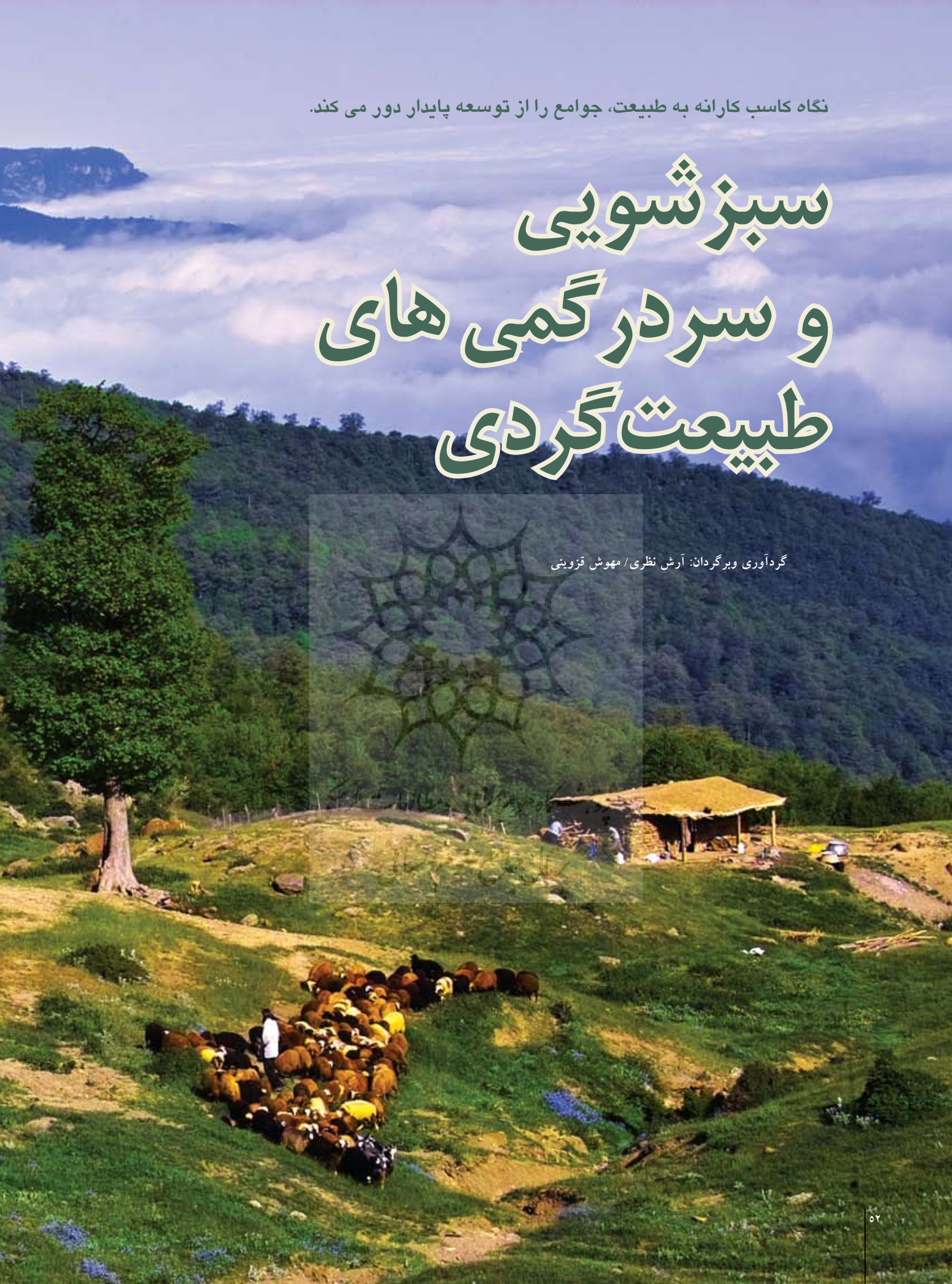
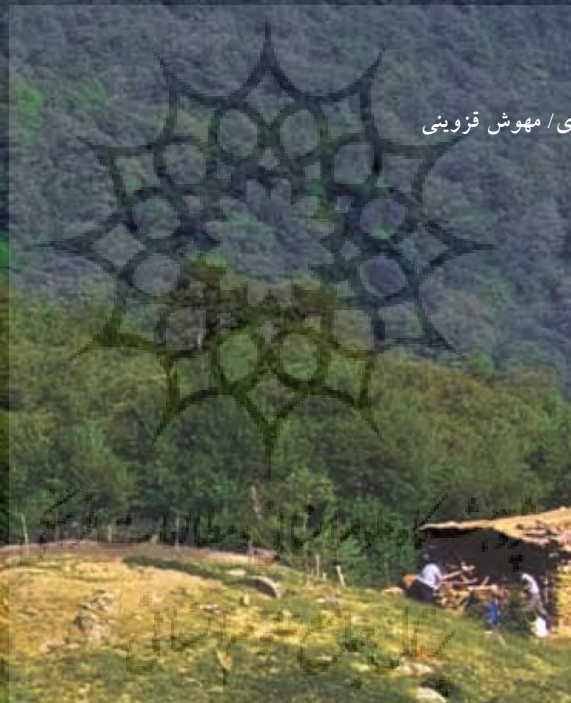


نگاه کاسب کارانه به طبیعت، جوامع را از توسعه پایدار دور می کند.

سبز شویی و سردرگمی های طبیعت گردی

گردآوری و برگردان: آرش نظری / مهوش قزوینی



طبیعت‌گردی که گردشگری بومی شناختی (ecological) نیز نامیده می‌شود شکلی از گردشگری است که جاذبه‌های بوم شناختی و منحصر به فرد اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. طبیعت‌گردی مسئولانه و تعهدآمیز شامل برنامه‌هایی خواهد بود که کمترین اثرات منفی را که در گردشگری معمولی دیده می‌شود بر محیط به جا گذارد و در عین حال فرهنگ عموم مردم محلی را بهبود بخشد. بنابراین در طبیعت‌گردی نه تنها عوامل مهم محیطی و فرهنگی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، بلکه برنامه‌های پیشبردی و کاملی برای چرخه‌های بازیابی از طبیعت، بهره‌وری از انرژی، حفاظت از منابع آبی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای جوامع محلی، نیز به طور جدی مورد توجه قرار می‌گیرند.

اما فعالیت‌هایی هم هستند که به بهانه طبیعت‌گردی در واقع موجب تخریب طبیعت می‌شوند که از این نوع فعالیت‌ها با نام سبزشویی (green washing) یاد می‌کنند. به ویژه که این روزها مناطق نمونه گردشگری به تناوب در جای جای کشورمان تعرف می‌شوند و چنانچه سرمایه‌گذاری در این مناطق پشوانه علمی و کارشناسی نداشته باشد در آینده نزدیک به میزان قابل توجهی شاهد تباهی طبیعت خواهیم بود هرچند که هم اکنون نیز اندیشه‌های کاسب کارانه، رشدنا یافته و مخرب در برخی نقاط اثر خود را به تدریج برجای می‌گذارند. این مقاله به بررسی تبعات طبیعت‌گردی و راهکارهای پیشگیری از روش‌های مخرب زیست‌بوم اشاره دارد.



عکس: کاوه فرزانه

طبیعت جنگل ابر در استان سمنان

ناخالص بومی این کشورها سهم چشم‌گیری داشته است. مفهوم طبیعت‌گردی تا حد زیادی خوب درک نشده است و در عمل از آن به‌عنوان ابزار بازاریابی برای بهبود و ترقی گردشگری مرتبط با طبیعت استفاده می‌شود. منتقدان ادعا می‌کنند که طبیعت‌گردی در عمل می‌تواند مورد سوءاستفاده واقع شود از استقرار هتل‌ها بر فراز چشم‌اندازی جذاب گرفته تا ضرر و زیان‌های متعددی که به زیست‌سامانه (چرخه‌های طبیعی) می‌رسد، همگی از آثار منفی مربوط به طبیعت‌گردی هستند. آنها معتقدند که طبیعت‌گردی در رأس همه‌ی اولویت‌های خود بایستی حساسیت مردم را در مورد زیبایی، ظرافت و آسیب‌پذیری طبیعت برانگیزد. این منتقدان برخی از فعالیت‌های صدمه‌زننده به محیط طبیعی را محکوم می‌کنند و آنها را نوعی سبز شویی (green washing) می‌دانند. اگرچه از لحاظ علمی و دانشگاهی در مورد تعریف طبیعت‌گرد اختلاف نظرهایی وجود دارد، سوال مهم این است که چه کسی می‌تواند در طبقه‌بندی طبیعت‌گردها واقع شود؟ با وجود اطلاعات آماری با ارزش و اندکی که در این زمینه منتشر شده به نظر می‌رسد که به طور تخمینی بیش از پنج میلیون طبیعت‌گرد در جهان وجود داشته باشد که اغلب‌شان اهل ایالات متحده، اروپای غربی، کانادا و استرالیا هستند.

طبیعت‌گردی، گردشگری مسئولیت‌پذیر و توسعه‌ی پایدار همگی از مفاهیمی هستند که از اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی رایج بوده‌اند و طبیعت‌گردی به‌عنوان یکی از زیر شاخه‌های صنعت گردشگری، بیشترین سرعت رشد را به شکلی بحث برانگیز همراه داشته است. طبیعت‌گردی در ادراک عمومی گردشگران

در حالت آرمانی طبیعت‌گردی معیارهایی به شرح را تحقق می‌بخشد: - محافظت از تنوع زیست شناختی و تنوع فرهنگی از طریق محافظت زیست سامانه‌ها .

- بهبود برداشت پایدار از تنوع زیستی از طریق ایجاد اشتغال برای افراد محلی

- تقسیم منابع اقتصادی حاصل از طبیعت‌گردی با جمعیت‌های بومی و مردم محلی از طریق جلب رضایت آنها در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و امور مدیریتی مربوط به طبیعت‌گردی.

- گردشگری در جاهایی که منابع طبیعی آن دست نخورده و بکر باشد به شرط داشتن کم‌ترین تأثیرات زیستی از اولویت‌های بالاتری برخوردار خواهد بود.

- به حداقل رساندن خسارات و تأثیرهای منفی گردشگری. - توانایی و فراهم کردن امکاناتی برای کاهش میزان ضایعات تجملی و امروزی.

- فرهنگ‌های محلی، کلیه‌ی گیاهان و جانوران جزو جاذبه‌های اصلی در طبیعت‌گردی هستند.

برای بسیاری از کشورها، طبیعت‌گردی صرفاً یک فعالیت جنبی و ساده‌ی اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در حفاظت زیست بوم نبوده بلکه صنعت بزرگی در اقتصاد ملی محسوب می‌شود. برای مثال در جایی مثل کاستاریکا، اکوادور، نپال، کنیا، ماداگاسکار و قطب جنوب، طبیعت‌گردی در فعالیت‌های اقتصادی و تولید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چه اندازه تأثیرهای جانبی زیست محیطی در تعریف یک فعالیت طبیعت‌گردی باید مد نظر قرار بگیرد؟

به همین دلیل طرفداران محیط‌زیست و گروه‌هایی با علائق ویژه نسبت به طبیعت و برخی دولت‌ها، طبیعت‌گردی را به شکل دیگری تعریف می‌کنند.

مجموعه‌های زیست‌محیطی معتقدند که طبیعت‌گردی می‌بایستی بر اساس آموزش‌هایی باشد که مدیریت برداشت پایدار از طبیعت و حفظ و نگهداری از منابع طبیعی را تضمین کند و اساس تمام فعالیت‌های آن بر مبنای هدفی متعالی یعنی تطبیق با اصول حفظ جاذبه‌های طبیعی باشد با وجود این، صنعت گردشگری و دولت‌ها، بیشتر به جنبه‌ی تولیدی فعالیت‌های طبیعت‌گردی ماموریت می‌دهند. یعنی معتقدند که طبیعت‌گردی به هر نوع فعالیت که در طبیعت به منظور تفریح انجام گیرد، اطلاق می‌شود! استفاده از برخی اصطلاحات، زیر عنوان اصلی طبیعت‌گردی موضوع را پیچیده‌تر می‌کند: گردشگری طبیعت، گردشگری سبز! گردشگری با تأثیرات منفی کمتر، زیست‌گردشگری، گردشگری بوم‌شناختی مسئولیت‌پذیر، و برخی دیگر از واژه‌ها که در بازاریابی و ادبیات آن کاربرد دارند و لزوماً مترادف با طبیعت‌گردی نیستند.

مشکلات مربوط به تعریف طبیعت‌گردی در بین جامعه دانشگاهیان و گردشگران به یک اندازه موجب سردرگمی شده است! از طرفی این مشکلات در بین عموم، مباحثات زیادی را در مورد پدیده‌ی سبز شویی برانگیخته است. پدیده‌ای که به تدریج با تجاری کردن طرح‌ها و فعالیت‌های گردشگری، مبنای طبیعی بودن، برداشت پایدار و تطبیق با معیارهای طبیعی را به نوعی کنار گذاشته

نسبت به پیرامونشان تغییرات مهمی پدید آورد و سطح آگاهی آنها را در این مورد بیشتر کرد تا با میل و رغبت بالاتری به کاوش در محیط‌های طبیعی بپردازند.

این تغییرات در نگرش و سطح آگاهی مردم سبب شد که گردشگران طبیعت با شناخت هویت اجتماعی خود و مهارت‌های علمی‌شان منابع بزرگ غیرقابل جانشینی چون جنگل‌های آمازون یا تپه‌های دریایی حوزی کارائیب را برای آیندگان به خوبی مورد حفاظت قرار دهند.

به لحاظ تأثیر بالقوه زیادی که طبیعت‌گردی در زمینه‌ی محافظت از محیط طبیعی دارد، سازمان ملل متحد تصمیم گرفت که سال ۲۰۰۲ میلادی را سال بین‌المللی طبیعت‌گردی اعلام کند.

انتقادات وارد بر تعاریف مربوط به طبیعت‌گردی

برای درک بهتر مشکلات مربوط به طبیعت‌گردی و مواجه شدن با آنها باید تعریف مشخصی ارائه شود تا معلوم شود که چه چیزی طبیعت‌گردی هست یا چه فعالیت‌هایی جزو طبیعت‌گردی نیست! در تعریف طبیعت‌گردی آرمانی باید تمام معیارهای بالا به‌طور کامل رعایت شود یعنی حفظ تنوع زیست‌شناختی و تنوع فرهنگی از طریق محافظت زیست‌سامانه‌ها، بهبود برداشت پایدار از تنوع زیستی و... [۲۳]. با رعایت این ضوابط و معیارها منافع طولانی مدت و مشترکی نصیب محیط‌زیست و اجتماعات بومی خواهد شد. البته در مورد تعریف فعالیت‌های طبیعت‌گردی که شاخه‌ای از گردشگری معمول است، همواره این بحث وجود دارد که حد و حریم مربوط به معیارهای ذکر شده کجاست؟ یعنی چه نوع محافظتی از تنوع زیستی و چه اندازه از سود اقتصادی مشترک و



حیات وحش مکزیک به نام کیتارو مشاهده می شود که نه تنها سبب شده قبیله‌ی بزرگ محلی مایاها دچار دردهای جابه‌جایی شوند بلکه گونه‌های زیادی از جانوران کم‌یاب و در معرض خطر را برای بازدید گردشگران و ایجاد جاذبه‌ی بیشتر به طور غیرقانونی، به اسارت گرفته است. توسعه و موفقیت چنین طرح‌هایی (که از لحاظ زیست‌شناختی غیر پایدار بوده و انرژی مصرفی آنها بالاست)، به دلیل سودهای چشم‌گیری است که در پوشش ظاهری طبیعت‌گردی حاصل می‌شود!

اثرات اجتماعی منفی حاصل از طبیعت‌گردی

طبیعت‌گردی در میان کشورهای مختلف همواره به سمت تجاری شدن حرکت می‌کند و این گرایش‌های تجاری در بین بخش‌های مختلف از صنعت گردشگری بیشترین سرعت را داشته و رشد آن در سطح جهانی، سالیانه (۱۰ تا ۱۵ درصد) است (Kamuaro, ۲۰۰۷). طبیعت‌گردی به طور رسمی اولین

و آثار زیان باری به جا می‌گذارد. واژه‌ی سبزشویی به تازگی در دهه‌ی اخیر و میان حامیان محیط‌زیست رواج پیدا کرده است ولی در کشورمان هنوز در نشریات و رسانه‌ها مطرح نشده و لذا معادل فارسی مناسبی برای آن وجود ندارد. نوعی کلاه گذاشتن بشر بر سر خویش و به نوعی ماله‌کشی کردن و پوشش آثار زیان‌بار و منفی تحت عناوین فریبنده‌ای چون دوست طبیعت یا دوستدار طبیعت بودن!_نگارنده)

به گفته‌ی مک لارن، این طرح‌ها در بدترین حالت، از لحاظ زیست‌محیطی مخرب، به لحاظ اقتصادی، انتفاعی و در ابعاد فرهنگی، کسالت‌بار هستند! از لحاظ اخلاقی هم این فعالیت‌ها، ناموزون و مغشوش هستند چراکه گردشگران را گمراه می‌کنند و انتظارات واقعی آنها را در ارتباط با محیط طبیعی پیرامون‌شان منحرف کرده به بیراهه می‌کشند. با وجود تمام مخالفت‌های انجام گرفته، پدیده‌ی سبزشویی بدون وقفه در حال گسترش است. یکی از نمونه‌های بارز این فعالیت‌ها در یکی از پارک‌های



راید
فروز
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ظ است

حقی
کی

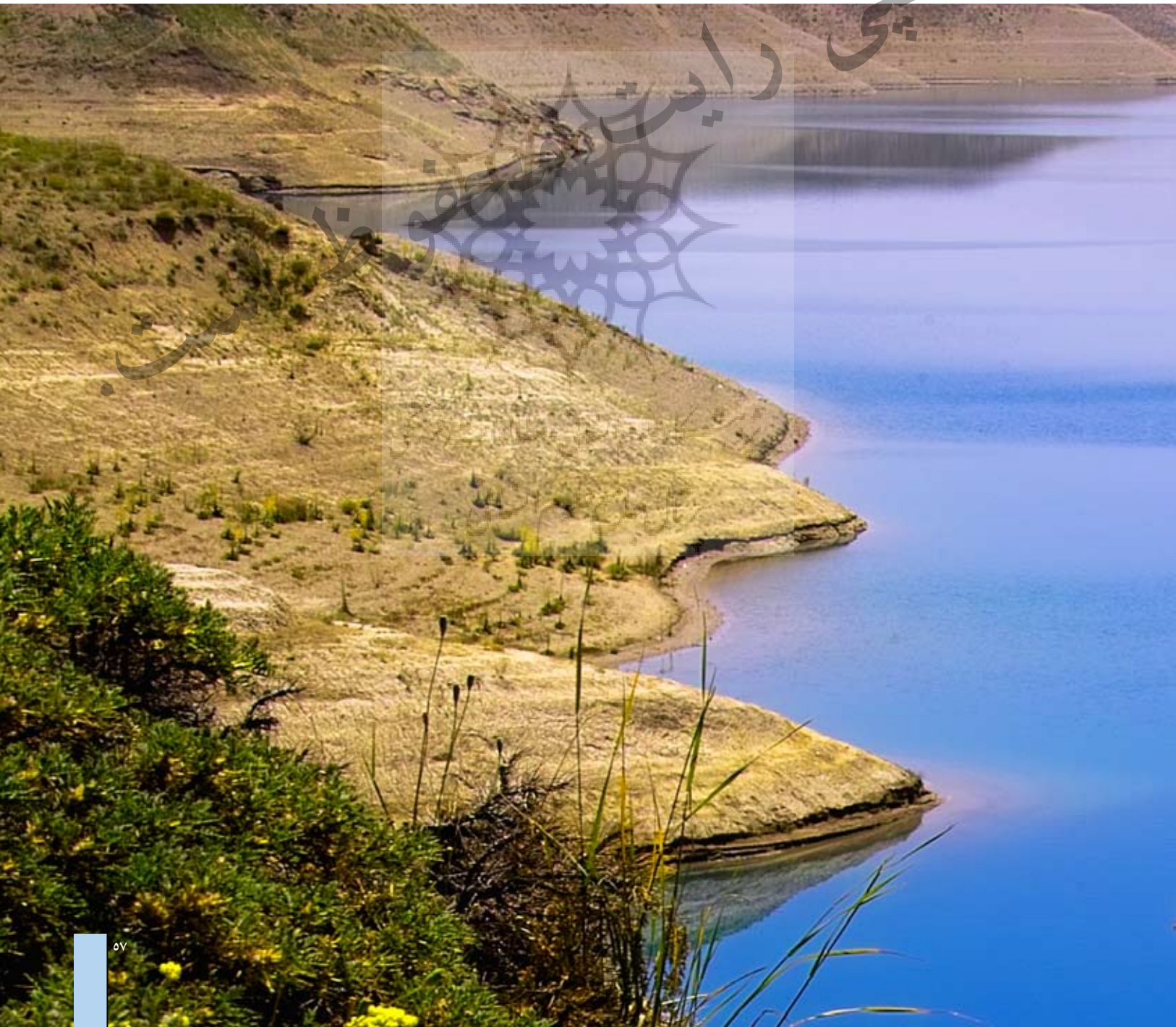
بار در سال ۱۹۵۰ میلادی در آفریقا معرفی شد، جایی که اجازه‌ی شکار قانونی برای شکارچیان صادر شد. (Kamuaro, ۲۰۰۷) نیاز برای شکارهای ورزشی و ایجاد شکارگاه‌ها، منجر به پدید آمدن مناطق حفاظت شده، پارک‌های ملی و شکارگاه‌های اختصاصی شد. امروزه با ایجاد کلبه‌ها و اردوگاه‌های مناسب برای گردشگران این مناطق، به مهم‌ترین منابع درآمد برای سرمایه‌گذاران و افراد محلی تبدیل شده‌اند.

یکی از تعاریف اصلی طبیعت‌گردی، انجام سفرهایی است که آثار منفی و زیان بار کمتری داشته و به لحاظ آموزشی، بوم شناختی و فرهنگی پراهمیت و تأثیرگذار باشند و بتوانند هم جوامع محلی و هم کشور میزبان را از عایدات حاصله منتفع کنند. در بسیاری از طرح‌های طبیعت‌گردی در حال حاضر این استانداردها رعایت نمی‌شود. حتی اگر بسیاری از راه‌کارها به‌طور قانونی به اجرا گذارده شود باز هم جوامع محلی با مشکلات و آثار منفی دیگری مواجه خواهند شد.

آفریقای جنوبی یکی از کشورهای است که منافع اقتصادی بسیار زیاد و چشم‌گیری را همه ساله از صنعت طبیعت‌گردی عاید خود می‌کند اما آثار منفی آن از قبیل جابه‌جایی فیزیکی افراد محلی، تجاوز به حریم حقوق بنیادی و اقتصادی محلی‌ها و زیان‌های زیست‌محیطی همچنان در حال افزایش است. مقادیر زیادی پول صرف نیروهای انسانی می‌شود تا چرخ طبیعت‌گردی علی‌رغم داستان‌های موفقیت‌آمیز کم رنگ و کوتاه مدت همچنان در گردش باشد و حتی پول‌های بیشتری صرف می‌شود تا در جدال مستقیم با منتقدان، تأثیر ایرادات و انتقادهای آن‌ها کم اثر گردد!

پولی که از راه گردشگری حاصل می‌شود می‌تواند مدیریت مناطق حفاظت شده و پارک‌ها را در اختیار طبیعت‌گردی قرار بدهد. اما در این ارتباط یک تنش وجود دارد، زیرا طبیعت‌گردی اغلب موجب تغییراتی در حقوق کاربری زمین‌ها شده و با بسیاری از تعهدات مربوط به تقسیم منافع و عایدات حاصله

دریاچه سد لار، منطقه پلور.
دماوند عکس: کاوه فرزانه





آبشار شوی. در رشته کوه های زاگرس عکس: آرشیو سفر

در تعارض قرار می‌گیرد و به علاوه موجب صدمه دیدن محیط‌های طبیعی و بروز بسیاری از عوارض منفی اجتماعی می‌شود! در واقع خیلی‌ها به‌طور مکرر استدلال کرده‌اند که طبیعت‌گردی نه تنها از لحاظ بوم‌شناختی زیان‌آور است، بلکه از نظر اجتماعی هم سودآور نیست! با وجود این در بسیاری از کشورها کارشناسان اصرار دارند که آن را راهبردی برای حفظ و توسعه‌ی جاذبه‌های طبیعی قلمداد کنند! مطالعات بسیاری تاکنون انجام گرفته تا راه‌های به‌کرد ساختار طبیعت‌گردی بررسی گردد با وجود این مثال‌های ذکر شده در این مجال نشان می‌دهد که خیلی از این فعالیت‌ها بهتر است برای همیشه متوقف شوند! تعارض با محیط طبیعی، تأثیر بر افراد محلی و تقسیم نابرابر سودهای حاصله تنها بخشی از تأثیرات منفی طبیعت‌گردی است. در یک دنیای کامل و بی‌نقص، تلاش‌های بیشتری برای آموزش گردشگران می‌بایستی انجام شود تا تأثیرات منفی اجتماعی و محیطی مربوط به سفرهایشان را به خوبی بشناسند. این آموزش برای جلوگیری از گسترش فعالیت‌ها و پروژه‌های طبیعت‌گردی ناپایدار ضروری است تا در نهایت از ظاهر شدن چهره‌ای کاذب از محیط‌های طبیعی در ذهن گردشگران جلوگیری شده و فرهنگ‌های بومی و محلی نیز تحقیر نشوند!

اثرات مستقیم محیطی

فعالیت‌های طبیعت‌گردی به‌طور مشخص و بارز از برآورده کردن آرمان‌های مربوط به اهداف حفاظت از محیط طبیعی ناتوان است. اصولاً چشم‌انداز طبیعت‌گردی به‌عنوان مرکزی از فعالیت‌های پرمصرف، در نظر گرفته شده و به همین سبب موضوع حفاظت از محیط طبیعی تنها ابزاری برای رشد بیشتر اقتصاد به حساب می‌آید طبیعت‌گردی برای گروه‌های کوچک گردشگری در نظر گرفته شده است اما با افزایش کمابیش اندکی در جمعیت فشار مضاعفی بر محیط طبیعی وارد می‌شود و این مستلزم توسعه‌ی زیربنایی بیشتر و ایجاد سازگاری‌های جدیدتر با محیط اطراف خواهد بود. تأسیسات ساختاری برای بهره‌برداری از آب‌های محیطی، تأسیسات فاضلاب و کلبه‌های اردویی همراه با بهره‌برداری از منابع انرژی تجدید نشدنی و استفاده‌ی بی‌رویه از منابع محدوده شده‌ی بومی همگی از اثرات منفی مستقیمی است که بر محیط اطراف وارد می‌شود. تبدیل زمین‌های طبیعی به ساختارهای زیربنایی گردشگری و در نتیجه جنگل‌زدایی و نابودی زیستگاه‌ها سبب شد که محل سکونت پروانه‌های وحشی در مکزیک و میمون‌های کمیاب در کاستاریکا از بین برود. در خیلی از جاها به دلیل عدم توانایی افراد محلی در تأسیس ساختارهای زیربنایی مربوط به طبیعت‌گردی صدمات زیادی به محیط وارد شده است. مثلاً در بسیاری از پارک‌های آفریقای شرقی عدم وجود تأسیسات فاضلاب سبب زیاده‌تر شدن فاضلاب‌ها و پس‌مانده‌های اردوگاه‌ها و ورود این پس‌آب‌ها و ضایعات به رودخانه‌ها، خطراتی جدی را در زمینه‌ی آلودگی حیات وحش، چارپایان اهلی و مردمی که از این آب‌ها استفاده می‌کنند، به بار آورده است. در کنار آلودگی‌های محیطی و تأثیرات منفی ناشی از زیرساخت‌های گردشگری، جمعیت طبیعت‌گردی به اقتضای سبک زندگی غربی اثرات منفی دیگری را هم بر محیط می‌گذارد مثل رها شدن آشغال و زباله در محیط و آلودگی‌های ناشی از حضور گردشگران در محل. اگرچه طبیعت‌گردی ادعا می‌کند که به لحاظ آموزشی افراد خبره‌ای بوده و علاقه مند به مسائل محیطی هستند اما اغلب آنها به ندرت می‌توانند نتایج بوم‌شناختی ناشی از فعالیت‌های روزمره و بازدیدهایشان را از محیط اطراف که منجر به تأثیرات فیزیکی منفی می‌شود، درک کنند!

مصرف مواد غذایی، آب و دفع فضولات انسانی به عنوان بخشی از سامانه‌ی بوم‌شناختی و اقتصادی در کنار فعالیت‌های زیادی که انجام می‌گیرد، به ندرت از سوی طبیعت‌گردها مورد توجه قرار می‌گیرد. به علاوه طبیعت‌گردها کمتر واقفند که چه اندازه از انرژی‌های تجدید نشدنی بایستی مصرف شود تا آنها بتوانند خود را به مقصد برسانند و البته اکثر این مقصدها از حد متعارف بسیار دورتر هستند. به‌عنوان مثال سفر خارجی به محلی که ۱۰۰۰۰ کیلومتر دورتر از خانه باشد نیاز به مصرف ۷۰۰ لیتر سوخت برای هر کدام از طبیعت‌گردها خواهد داشت. فعالیت‌های طبیعت‌گردی به طوری است که تأثیرات منفی زیادی بر محیط می‌گذارد زیرا گیاهان و جانوران اقلیمی را به‌طور مستقیم مورد مزاحمت قرار می‌دهد.

طبیعت‌گردها معتقدند که فقط به عکس گرفتن و مشاهده‌ی طبیعت می‌پردازند و ردپایی به‌جا نمی‌گذارند و بنابراین امکان طبیعت‌گردی را دست‌نخورده و سالم نگه می‌دارند، در حالی که حتی کوچک‌ترین فعالیت‌های به‌ظاهر بی‌خطر مثل کوه‌گشت و گردش معمولی در طبیعت

می تواند اثرات بوم شناختی مضرى به جا گذارد. در جاهایی که فعالیت های طبیعت گردی دربرگیرنده تماشای حیات وحش شود، رم کردن حیوانات وحشی، مختل شدن تغذیه و لانه سازی تنها بخشی از اثرات منفی این فعالیت ها است.

برای مثال در کنیا حضور گردشگران بازدیدکننده سبب خارج شدن یوزها از محیط حفاظت شدهی آنها شده و این موضوع در زاد و ولد این گونهی کم یاب و در معرض خطر اختلالاتی جدی ایجاد می کند.

خطرات محیطی

همان طور که می دانیم تنوع زیستی و زمین های دست نخورده طبیعت، پایه و اساس ثبات بوم شناختی هستند. متأسفانه صنعتی سازی، ایجاد محیط شهری و فعالیت های ناپایدار کشاورزی، همگی تأثیرات جدی و زیادی بر محیط دارند. طبیعت گردی هم در این مقولهی تأثیرات منفی فرسایشی خاص خود را دارد. اگرچه واژهی طبیعت گردی در ظاهر لطیف و زیبا به نظر می رسد اما در وخیم ترین حالت، اثرات منفی آن به صورت زوال و مصرف قلمروها و اقلیم های بکر ظاهر خواهد شد.

این تغییرات می تواند به صورت جنگل زدایی، اختلال در سامانهی حیات بوم شناختی و انواع مختلفی از آلودگی ها ظاهر شود که همهی آنها در تخریب و از هم پاشیدگی محیط طبیعی نقش دارند. افزایش تعداد خودروهایی که گردشگران را در محیط پارک طبیعی جابه جا می کند و زیاد شدن تعداد راه ها و جاده ها پوشش گیاهی مورد نیاز برای گونه های جانوری را تخریب می کند. در ضمن بیشتر این جاده ها به مناطق دست نخورده و دور دست منتهی می شوند که گونه های کمیاب و متوحش را مضطرب می کند و مزاحمت های زیادی برای حیات وحش در این مناطق به وجود می آورد.

به هر حال تولید هرگونه منبع درآمدی از طبیعت گردی مستلزم تردد بیشتر وسایل نقلیهی موتوری و ازدحام گردشگران در محل خواهد بود که این خود، به طور اجتناب ناپذیر مقدار فشار بر محیط را افزایش خواهد داد.

افراد محلی (بومی)

بیشتر فعالیت های طبیعت گردی از محل سرمایه گذاری های خارجی و شرکت هایی شکل می گیرد که اکثر آنها سودهای حاصله را به جیب سرمایه گذاران اصلی روانه کرده و افراد محلی را به مقدار ناچیزی منتفع می کنند! در نتیجه سود به دست آمده به جای آن که صرف سرمایه گذاری مجدد در مناطق حفاظت شده شود، به طور مستقیم به شرکت های سرمایه گذار تعلق می گیرد. افراد بومی که به استخدام سرمایه گذاران درمی آیند، اکثراً به دلیل حقوق پایین و نظام بازارهای دوگانه قادر به زندگی در مناطق پذیرندهی گردشگر نیستند! در خیلی جاها کینه و رنجش افراد بومی نتایج تخریب کننده ای را برای محیط به بار می آورد! یکی از بارزترین نمونه های آن مربوط به اقوام صحرائشین بدوی معروف به ماسایی ها در کنیا می شود که برای نشان دادن خشم خود از آواره شدن و ترک سرزمین های سنتی و محل سکونت شان، دست به اقدام تلافی جویانه زده و تعداد بسیار زیادی از گونه های حیات وحش را در پارک های ملی شکار کردند! کمبود امکانات اقتصادی سبب بهره برداری بیشتر افراد بومی از محیط و تخریب بیشتر منابع می شود. و از طرفی با گسترش جمعیت طبیعت گردها، موضوع بهره برداری تجاری از تحفه ها و یادگارهای حیات وحش نیز جدی تر می شود. برداشت گونه های گیاهی بی نظیر از جزایر استوایی و تجارت اجزای بدن برخی از حیوانات در آسیا و آفریقا (کرگدن، خرس، فیل و...) سبب شده که برداشت های غیر قانونی از محیط طبیعی افزایش یابد. به عنوان مثال در سورینام بودجهی سنگینی برای حفاظت از لاک پشت های دریایی کم یاب در نظر گرفته شده تا جلوی برداشت های بی رویه و غیرقانونی گرفته شود.

آوارگی افراد بومی

یکی از بهترین مثال های مربوط به آواره کردن جوامع بومی به منظور احداث پارک، داستان اقوام ماسایی در آفریقا است. حدود ۷۰ درصد از پارک های ملی و مناطق حفاظت شده در آفریقای شرقی، درست در جایی واقع شده که سرزمین اصلی ماسایی ها بوده



است. اولین اثر منفی طبیعت‌گردی در شرق آفریقا، تا اندازه‌ای وسیع بود که سبب نابودی فرهنگ ماسایی‌ها شد. در عین حال ماسایی‌ها از گسترش طبیعت‌گردی در سرزمین‌های مادری‌شان منفعت اقتصادی خوبی به دست نیاوردند و دولت خدمات چشم‌گیر اقتصادی در اختیار آنها قرار نداد. شرکت‌های گردشگری نیز به‌جای استفاده از افراد محلی به دنبال راهنمایان تحصیل کرده و غیر بومی بودند. دولت‌های مسئول به‌جای آن که اقوام بدوی و محلی را تقویت کند و از لحاظ مادی تأمین کنند از تمام قابلیت‌های‌شان بهره‌برداری می‌کنند و سبب تهي شدن داشته‌های فرهنگی و مادی آنها می‌گردند، درست مثل همان اتفاقی که برای اقوام ماسایی رخ داد. برای برداشت پایدار و کم کردن آثار منفی ناشی از آن بهتر است که جوامع بومی مورد حمایت کافی قرار گرفته و از رنجش خاطر و آوارگی آنها جلوگیری شود.

تهدید فرهنگ‌های بومی

اغلب ادعا می‌شود که طبیعت‌گردی فرهنگ‌های بومی را حفظ کرده و آنها را ارتقا می‌دهد با وجود این، شواهد حاکی است که با تأسیس مناطق حفاظت شده، اغلب مردم محلی خانه‌های‌شان را از دست می‌دهند و هیچ کاری برای جبران خسارات وارد شده به آنها انجام نمی‌گیرد. حتی اگر سود مناسبی به طور مستقیم در اختیار اقوام محلی قرار داده شود، فشارهای متعددی به تدریج بر این افراد وارد شده و آنها را به حاشیه‌ی اراضی حفاظت شده با آب و هوای نامناسب رانده و کمبود آب، خاک‌های نامناسب برای کشاورزی و بیماری احشام، همگی سبب محرومیت رفاهی و لطمه‌پذیری از روند گسترش طبیعت‌گردی می‌شود. اقوام بومی تلاش می‌کنند که به بقای فرهنگی خود در کنار آزادی‌های سنتی‌شان ادامه دهند و در عین حال در معرض بازدید گردشگران بیگانه قرار گیرند! ارتباط و تماشای نزدیک فرهنگ‌های بومی که به شدت تأثیرپذیر و شکننده هستند و در مقابل تغییرات، توان مقاومت ندارند، سبب نوعی تخریب و زوال تدریجی در فرهنگ‌های بومی خواهد شد. ساخت کلبه‌های بسیار، مصرف زیاد سوخت و به راه انداختن آتش، استفاده از راه‌های فرعی و جاده‌ها و به‌کارگیری وسایل نقلیه، تغییرات عمده‌ای را در شکل زندگی افراد محلی ایجاد می‌کنند و در نهایت دگرگونی‌های بسیاری را در فرهنگ‌های بومی پدید می‌آورند.

عدم مدیریت صحیح اماکن طبیعت‌گردی

با آنکه دولت‌ها، به‌طور نوعی موظفند اداره و مراقبت از محیط‌های طبیعی را به عهده گرفته و مسئولیت حفاظت از آنها را به اجرا گذارند، اغلب از مدیریت مؤثر اماکن طبیعت‌گردی ناتوان‌اند و به تعهدات خود عمل نمی‌کنند. اصول مدیریت اجرایی مربوطه به حفاظت محیطی، اغلب به‌صورت مبهم و گنگ تعریف و به سختی اجرا می‌شود و عملکرد یا تأثیرات آن نیز نامشخص است. سازمان‌های اجرایی دولتی به‌عنوان نهادهای سیاسی، در تصمیم‌گیری‌هایی مشارکت می‌کنند که بودجه‌ها را بیشتر برای منافع سیاسی مصرف می‌کنند ولی به لحاظ پروژه‌های محیطی، تولیدات خاصی را فراهم نمی‌آورند! ضمناً گروه‌های ذی نفوذ و برخی افراد در برخی پروژه‌ها و اهداف دولتی به نفع خود اعمال نفوذ می‌کنند. مدیریت اماکن طبیعت‌گردی به وسیله‌ی شرکت‌های خصوصی نوعی بدیل برای فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی است که توسط شرکت‌های دولتی انجام می‌گیرد.

اعتقاد بر این است که این شرکت‌ها خودخواهانه به تخریب محیط‌های طبیعی محدودی علاقه دارند که گردشگران بابت این محیط‌های دست نخورده، حاضرند پول و منافع بیشتری بپردازند! با وجود این نظریه‌های موجود نشان می‌دهد که فعالیت این شرکت‌ها به لحاظ اقتصادی هم، چندان مقرون به صرفه نیست و بیشتر خسارات‌های مالی، به دنبال دارد.

راهنماها و طبیعت‌گردهای تحصیل کرده

برنامه‌ای راهبردی برای مقاصد حفظ محیط‌زیست بایستی ترتیب داده شود تا کارهای طبیعت‌گردها و اثرات آنها بر محیط تحت نظر قرار بگیرد. ابتکار عمل‌های بیشتری در این راه باید اعمال شود تا سطح آگاهی طبیعت‌گردها نسبت به محیط و میزان حساسیت آنها به مسائل محیطی و مراقبت از پیرامون‌شان ارتقا پیدا کند. راهنمایان تورها، عینی‌ترین و نزدیک‌ترین واسطه ارتباطی بین طبیعت و طبیعت‌گردها هستند. طبیعت‌گردان با اطمینان بالایی که به راهنمایان خود و دانش محیطی آنها دارند، می‌توانند در حفظ منابع طبیعی نقش فعال‌تری را اعمال کنند.

جشنواره خرید استانبول مسافران نوروزی را فرا می‌خواند

توسعه شهر استانبول، اتاق بازرگانی استانبول و هماهنگی انجمن سرمایه گذاران احداث مراکز خرید (AYD)، انجمن خرده فروشان و مراکز فروش (AMPD) و اتحادیه برندی‌نه سازی مشترک (BMD)) و همکاری هوایمایی ترکیه (THY) و حمایت‌های اتحادیه آژانس‌های سیاحتی ترکیه (TURSAB)، اتحادیه هتلداران توریستی، مدیران و سرمایه گذاران (TUROB)، اتحادیه برندهای ثبت شده (TMD)، اتحادیه مدیران و سرمایه گذاران رستوران‌های توریستی (TURID)، مجموعه فرودگاه‌های تپه آکفن TAV و فرودگاه‌های سایبها کوچک استانبول (ISE) برگزار خواهد شد.

بازارهای سنتی همچون بازار سرپسته استانبول و بازار مصری‌ها همراه با صدها برند داخلی و خارجی شاهد برگزاری بسیاری از فعالیت‌ها و مراسم خواهند بود. استانبول به مدت ۴۰ روز به یک مرکز پر حرکت تبدیل خواهد شد. استانبول با میزبانی بر جشن‌های خیابانی، کنسرت‌ها نمایش‌ها، بازیهای مختص کودکان با اسباب بازیهای گوناگون، موزیک، مسابقات و دفیله‌های لباس به عنوان تنها مرکزیزین پروژه مهم نقش آفرینی خواهد کرد. این رویداد با کمک‌های وزارت فرهنگ و گردشگری جمهوری ترکیه، استانداری و شهرداری استانبول، جمعیت صادرکنندگان ترکیه، آژانس



تقریبی ۵۳۴۳ کیلومتر مربع و جمعیتی معادل ۱۴ میلیون نفر ۹۰ مرکز خرید که در چهار نقطه شهر استانبول و در مناطقی راهبردی و مهم از قبیل، منطقه تقسیم، نیشانتاشی، شیشلی، باکر کوی، فاتیح، باحریه، و باغداد قرار گرفته‌اند میزبان برندهای دنیا خواهند بود. در چارچوب برگزاری جشنواره

طرح جشنواره خرید استانبول در این شهر پر جنب و جوش دنیا از تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۸۹ لغایت ۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ پروژه‌ای است که با هدف ارتقاء حجم تجاری از ۲ میلیارد دلار به ۱۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۳ طراحی شده است.

جشنواره خرید استانبول با برگزاری جلسه لانسان در کاخ چراغان کلید خورد، با برنامه‌های متنوع فرهنگی، تفریحی و خرید برای اولین بار از تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۸۹ لغایت ۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ برگزار می‌شود و همه ساله ادامه خواهد یافت. در خلال برگزاری این جشنواره در شهری به بزرگی یک کشور با وسعت